



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: فقه رمز ارزها

تاریخ: ۲ خرداد ۱۴۰۲

مصادف با: ۳ ذی القعدة ۱۴۴۴

موضوع جزئی: بررسی فقهی - ۲. معامله رمز ارز - اشکال دهم: غرری بودن - بررسی اشکال دهم -

جهات مختلف بحث از غرر: ۱. معنای غرر

جلسه: ۴۴

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

اشکال دهم: غرری بودن

دهمین شبهه و اشکال نسبت به معامله رمز ارزها، اشکال و شبهه غرر است. البته برخی در بیان این اشکال و شبهه از عنوان غرر استفاده نکرده‌اند؛ همانطور که جلسه گذشته هم توضیح داده شد، به جای اینکه بگویند معامله رمز ارز یک معامله غرری است پس باطل است، به برخی از مناشی غرر اشاره کرده‌اند؛ مثل جهالت، مقدور التسلیم نبودن، معلوم نبودن عین، نوسانات قیمت، پشتوانه نداشتن، عدم ضمانت، اینها همه در کلمات کسانی که به معامله رمز ارز اشکال کرده‌اند، یافت می‌شود. بعضی هم خود عنوان غرر را همراه با ذکر مناشی آن عامل بطلان معامله رمز ارز دانسته‌اند. علی‌ایحال صرف نظر از نحوه بیان اشخاص در گفته‌ها و نوشته‌ها، یک دلیل و یا اشکالی که در قالب قیاس شکل اول نسبت به معامله رمز ارز شده، این است که:

صغری: معامله رمز ارز غرری است.

کبری: هر معامله غرری باطل است.

نتیجه: معامله رمز ارز هم باطل است.

اثبات کبری

مستدل معامله غرری را باطل می‌داند، یعنی نسبت به کبری بحثی ندارد؛ مستدل یا مستشکل به یک معنا کبری را یک امر مسلم و مفروغ عنه دانسته است؛ معامله غرری باطل است. چون حتی اگر دلیل بطلان معامله غرری «نهی النبی عن بیع الغرر» باشد، با الغاء خصوصیت یا تنقیح مناط می‌توان این نهی را به سایر معاملات غیر از بیع تسری داد. به هر حال کبری یک امر مسلم و قطعی دانسته شده است.

اثبات صغری

عمده این است که صغری باید توسط مستشکل بیان شود؛ اینکه معامله رمز ارز چرا یک معامله غرری شناخته می‌شود. اینجا عبارات و بیان‌ها متفاوت است؛ یعنی اینکه وجه غرر در معامله رمز ارز چیست، مورد اختلاف است.

۱. بعضی گفته‌اند معامله رمز ارز غرری است لعدم العلم بجهة الاصدار؛ ما نمی‌دانیم این رمز ارز از کجا صادر شده، برای چه خلق شده، اصلاً ماهیت رمز ارز مجهول و مبهم است. می‌گویند وقتی یکی از عوضین مجهول باشد و معلوم نباشد، غرر تحقق پیدا می‌کند و مشمول «نهی النبی عن بیع الغرر» قرار می‌گیرد.

۲. بعضی‌ها وجه غرر را این دانسته‌اند که دولت‌ها و بانک‌های مرکزی حمایت و پشتیبانی از این رمز ارزها ندارند؛ یک پول یا شبه پول یا مال اعتباری است که هیچ پشتیبانی و پشتوانه‌ای نسبت به آن وجود ندارد. طبیعتاً اگر بر چنین حقیقتی معامله

صورت بگیرد، موجب غرر است.

۳. برخی گفته‌اند چون مالیت آن زیر سؤال است و مالیت ندارد، موجب غرر است. ابهام در مالیت را منشأ غرر دانسته‌اند.

۴. بعضی به این دلیل معامله بر رمز ارزها را غرری می‌دانند که در معرض نابودی و در معرض هلاکت و از بین رفتن است. این یک چیزی است که هیچ آینده‌ای ندارد و اگر یک مالی در معرض نابودی قرار بگیرد، معامله بر آن یک معامله غرری است. اینکه چرا در معرض هلاکت و نابودی است یا به تعبیر دیگر خطر در آن وجود دارد، به خاطر این است که ضمانتی نسبت به آن نیست؛ یا برخی می‌گویند مقدور التسلیم نیست؛ جهت خطر در معامله رمز ارز این است که قدرت بر تسلیم آن نیست. برخی نوسانات شدید قیمتی را عامل خطر می‌دانند و می‌گویند رمز ارز آنقدر نوسانات قیمتی دارد و بالا و پایین می‌رود که کأن در معرض هلاکت و از بین رفتن است. اینها خطر را موجب غرر می‌دانند یا به تعبیر دیگر غرر را به همان معنای خطر دانسته‌اند. آن وقت تطبیق کرده‌اند این خطر را در مورد رمز ارز.

۵. برخی می‌گویند ضرری که پدید می‌آید موجب بطلان این معامله است؛ یعنی به تعبیر دیگر ضرر ناشی از غرر موجب بطلان معامله است. این بیشتر به ثمره و اثر غرر اشاره می‌کند.

۶. برخی غش در مصرف و معیار و قیمت را موجب غرر می‌دانند.

این فهرستی که ذکر شد، برای این است که تطبیق شود این عناوین بر رمز ارزها که در عبارات و گفته‌ها و نوشته‌ها ذکر شده است. همه اینها در حقیقت تبیین این صغری است که معامله رمز ارز یک معامله غرری است. عرض کردم برخی به وجه غرر هم پرداخته‌اند که چرا در رمز ارز غرر پیش می‌آید؛ این ریشه‌ها و مناشی در کلمات افراد ذکر شده است. برخی هم بدون توضیح مبسوط نسبت به ریشه‌ها و مناشی غرر، به صورت کلی گفته‌اند معامله بر رمز ارز یک معامله غرری است و دیگر آن را توضیح نداده‌اند.

پس اگر بخواهیم سخن مستشکل را به صورت خلاصه ذکر کنیم، این است که معامله رمز ارز به خاطر یکی از این اموری که ذکر شد، یا به خاطر چند امر از این اموری که نام برده شد، یک معامله غرری است. کبری هم که مسلم و مفروغ عنه بود. نتیجه می‌گیرند که معامله رمز ارز باطل است. این چکیده و خلاصه اشکال و شبهه بود. حالا باید بررسی کنیم آیا این شبهه و اشکال وارد است یا نه، و می‌تواند موجب بطلان معامله غرری شود یا نه.

بررسی اشکال دهم

اگر بخواهیم این شبهه را در حدی که این جلسه اقتضا می‌کند بررسی کنیم، به چند امر باید توجه کنیم. اینکه من عرض می‌کنم در حد این جلسه، برای این است که بحث‌های متعددی پیرامون غرر مطرح است و زوایا و جهات گوناگونی درباره غرر وجود دارد.

جهات مختلف بحث از غرر

۱. مثلاً اینکه اصلاً معنای غرر چیست؟ معنای غرر در لغت و اصطلاح کدام است؟ این خودش یک بحث دارد که محل اختلاف است.

۲. دوم اینکه دلیل بر بطلان معامله غرری چیست؟

۳. سوم اینکه نهی در ادله نفی غرر، آیا نهی تکلیفی است یا وضعی؟

۴. چهارم اینکه منشأ غرر کدام است؟ بعد از فراغ از معنای لغوی و اصطلاحی و بررسی ادله، بالاخره منشأ غرر چیست؟ در همه این اموری که ما عرض کردیم، اختلاف وجود دارد. نتیجه‌ای که از این جهات گرفته می‌شود، بدون تردید در بحث ما مؤثر است؛ یعنی اینجا مبانی مختلف وجود دارد که هر یک از این مبانی یک نتیجه‌ای به دنبال دارد؛ در همه این جهات اختلاف هست. ما در حدی که فرصت داریم، خیلی خلاصه این امور را بررسی می‌کنیم، و الا بحث‌های مبسوط باید در بحث از قاعده نفی غرر دنبال شود. چون خود نفی غرر یک قاعده فقهی است، مثل قاعده نفی ضرر، قاعده نفی حرج. بسط و شرح کامل این بحث باید آنجا دنبال شود. اما یک مقدمه‌ای را که مشتمل بر چند مطلب است ذکر می‌کنیم تا به استناد این مطالب بتوانیم درباره این شبهه بحث کنیم و ببینیم آیا این شبهه وارد است یا نه، آیا می‌تواند موجب بطلان رمز ارز شود یا نه.

سؤال:

استاد: حرمت یا بطلان؟ ... چون در روایت دارد «نهی النبی عن الغرر» یا «نهی النبی عن الغرر»، بالاخره در اینجا نهی صورت گرفته است. صحبت این است که این نهی در اینجا به چه معناست.

۱. معنای غرر

مطلب اولی که مقدمه لازم است به آن پرداخته شود، معنای غرر است؛ اصلاً غرر به چه معناست؟ مستشکل می‌گوید معامله رمز ارز، معامله غرری است. باید ببینیم اساساً غرر به چه معناست. اهل لغت چندین معنا برای غرر ذکر کرده‌اند:

معنای اول: خطر

۱. در کتاب العین می‌گوید «الغرر کالخطر و غرر بماله آی حمله علی الخطر»^۱، غرر مثل خطر است. اینکه روی «کالخطر» تأکید دارم، به خاطر این است که در بعضی از کتاب‌های لغت گفته‌اند «الغرر هو الخطر»، خود خطر است نه اینکه مثل خطر باشد.

۲. المحيط غرر را این چنین معنا کرده «غرر بماله اذا حمله علی الخطر و الغرر کالخطر»^۲، غرر بماله وقتی به کار می‌رود که او را بر خطر حمل کنند و غرر مانند خطر است. اگر ما گفتیم غرر همانند خطر است یا مثل خطر است، چه بسا ظهور دارد در اینکه اینها شبیه و همانند هستند، اما عین هم نیستند؛ یعنی اینطور نیست که غرر عیناً خطر باشد، بلکه مثل هم هستند. اگر مثل هم هستند، پس فرق اینها چیست؟ برخی در بیان فرق بین غرر و خطر گفته‌اند غرر آن خطری است که انسان بدون توجه به مصلحت بالاتر و بدون رعایت احتیاط، خود را دچار آن کند. اما خطر این است که کسی به خاطر یک مصلحت مهم‌تر، یک کاری را انجام بدهد و خودش را گرفتار چیزی کند، مثل کسی که برای دفاع از وطن خودش را در معرض هلاکت قرار می‌دهد؛ یعنی جان خودش را در کف دست می‌گیرد و در دفاع از دین و وطن و ناموس، وارد میدان نبرد می‌شود؛ این می‌شود خطر. بر این اساس، یک تفاوتی بین اینها پیش می‌آید؛ اینجا احتیاط در نظر گرفته نمی‌شود اما در آن یکی، احتیاط وجود دارد.

۳. برخی غرر را همان خطر دانسته‌اند و تعبیر مثل خطر یا کالخطر به کار نبرده‌اند. از جمله معجم مقاییس اللغة می‌گوید «بیع الغرر و هو الخطر»^۳.

۱. العین، ج ۴، ص ۳۴۶.

۲. المحيط، ج ۴، ص ۵۱۱.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۸۱.

۴. لسان العرب این چنین معنا کرده و می‌گوید: «و غرر بنفسه و ماله تغیراً و تغرةً عرضهما للهلكة من غير أن يعرف و الاسم الغرر»^۱.

۵. معجم مقاییس اللغة یک عبارتی دارد: «بيع الغرر و هو الخطر الذی لا یدری أ یكون أم لا»^۲ بیع غرر یعنی بیع خطری و غرر به معنای آن خطری است که معلوم نیست آیا هست یا نیست. آیا هلاکت حتمی تحقق پیدا می‌کند یا این معلوم نیست.

۶. مصباح المنیر می‌گوید «الغرر الخطر».

معنای دوم: خدعه

به گفته برخی در کتاب‌های لغت، به غیر از خطر و در معرض هلاکت بودن، به معنای خدعه و فریب هم آمده است. از کتب لغتی که خدعه را به معنای فریب گرفته باشند، نمی‌توان مورد قابل توجهی پیدا کرد؛ شاید اکثر کتب همانطور که ملاحظه فرمودید، غرر را به معنای خطر دانسته‌اند. محقق اصفهانی در ابتدای کلامش پیرامون غرر می‌گوید: غرر در لغت به معنای خدعه و فریب است؛ هر چند معانی مختلفی برای غرر ذکر شده، اما در لغت به معنای خدعه و فریب است. بقیه معانی هم که برای غرر گفته‌اند، لازم دائمی یا غالبی معنای خدعه است، یا مورد و موضع خدعه را بیان می‌کند.^۳ امام (ره) هم در کتاب بیع به این مطلب اشاره می‌کند که غرر نزد لغویین معانی مختلف دارد، مثل خدعه، مثل جهالت و یا خطر. مرحوم آقای خویی هم ادعا می‌کند غرر به چند معنا نزد اهل لغت آمده است.

معنای سوم: جهالت

تعدد معانی به نظر آقایان نزد اهل لغت ثابت شده است؛ جالب این است که مرحوم شیخ بعد از آنکه کلمات اهل لغت را نقل می‌کند، می‌فرماید «فالکل متفقون علی اخذ الجهالة فی معنی الغرر»^۴، چند معنا برای غرر ذکر می‌کند و بعد می‌گوید همه اتفاق دارند بر اینکه جهالت در معنای غرر اخذ شده است.

حق در معنای غرر

پس کتب لغت برای غرر چند معنا گفته‌اند و این چند معنا عبارتند از خدعه و فریب، خطر، جهالت. اما ملاحظه فرمودید کتاب‌های لغت اکثراً غرر را به معنای خطر دانسته‌اند. اینکه مرحوم شیخ ادعا کرده است که «فالکل متفقون علی اخذ الجهالة فی معنی الغرر»، واقعاً این چنین نیست که جهالت در معنای غرر اخذ شده باشد. شاید از باب لازمه دائمی یا غالبی باشد، چنانچه محقق اصفهانی می‌گوید جهالت لازمه خدعه است، خطر لازمه خدعه است، همه را لازمه خدعه می‌داند. اما مرحوم شیخ می‌گوید جهالت جزء معنای غرر است، نه اینکه لازم باشد.

پس از نظر لغت با اینکه چند معنا برای غرر ذکر کرده‌اند، اما آن چیزی که بیشتر روی آن تأکید شده، غرر به معنای خطر است. شاید غرر به معنای خدعه را اساساً کمتر ذکر کرده‌اند و همچنین در مورد جهالت؛ حتی شاید بتوانیم بگوییم اهل لغت هیچ کدام غرر را به معنای جهالت ندانسته‌اند. اینکه شیخ می‌گوید «فالکل متفقون علی اخذ الجهالة فی معنی الغرر» این واقعاً به واسطه

۱. لسان العرب، ج ۵، ص ۱۳.

۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۳۸۱.

۳. کتاب الاجارة، ص ۲۵۲.

۴. مکاسب، ج ۴، ص ۱۷۸.

شاید همان نکته‌ای باشد که گفتیم، یعنی نمی‌خواهد بگوید که معنای حقیقی آن این است؛ می‌خواهد بگوید کأن این لازمه آن معنای دیگر است، ولی اینکه غرر به معنای خدعه آمده باشد، در کتاب‌های لغت این چنین نیست. حتی غرر به معنای جهالت هم کمتر آمده است.

معنای خطر

بنابراین اگر بخواهیم این بخش را جمع‌بندی کنیم، می‌توانیم بگوییم غرر به معنای خطر است. حالا خطر به چه معناست؟ خطر طبق آنچه که در کتاب‌های لغت بیان کرده‌اند، عبارت است از معرضیت للهلاکة؛ در معرض نابودی بودن، در معرض از بین رفتن قرار گرفتن. اگر چیزی در معرض هلاکت باشد، می‌گویند فیه خطر. شاید این اصطلاح خطر هم که در افواه و لسان عامیانه جریان دارد، همین است؛ می‌گویند این کار خطر دارد، این کار را نکن، از این راه نرو. چون انجام آن کار موجب هلاکت و نابودی کننده کار است. اگر می‌گوید مالت را دست فلانی نده خطر دارد، این معنایش آن است که وقتی مالت را دست او بدهی، در معرض نابودی و از بین رفتن قرار می‌گیری. پس خطر به معنای معرضیت للهلاکة است.

البته برخی می‌گویند خطر به معنای ریسک است؛ می‌گویند ریسک نکن. ریسک به چه معناست؟ ریسک کردن یعنی ورود در یک عرصه‌ای که نتیجه آن نامعلوم است. یعنی احتمال هلاکت در آن است و این غیر از معرضیت برای هلاکت است. پس خطر یعنی اینکه واقعاً در معرض نابودی قرار بگیری؛ اما ریسک به معنای نامعلوم بودن نتیجه و سرنوشت است؛ اینها با هم فرق می‌کند. اینکه می‌گویند ریسک نکن، یعنی وارد یک عرصه‌ای نشو که نتیجه آن معلوم نیست. از این جهت می‌توانیم بگوییم بین اینها تفاوت است.

علی‌ایحال تا اینجا معلوم شد غرر به معنای خطر است نزد اهل لغت، و خطر هم به معنای معرضیت للهلاکة.

بحث جلسه آینده

انشاءالله در جلسه آینده بقیه مطالب را به عنوان مقدمه ذکر می‌کنیم و بعد نتیجه می‌گیریم.

«والحمد لله رب العالمین»